

شما در روزهای جنگ در لبنان حضور داشتید و بمباران مناطق مسکونی حومه جنوبی بیروت و پایداری رزمندگان مقاومت را شاهد بودید. مدیریت بحران را توسط آقای نصرالله چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در روزهای جنگ و مقاومت دو موضوع جلب توجه می‌کرد که عبارتند از:

اولاً: مقاومت اسلامی برای تحقق هدف سیاسی بسیار ساده‌ای وارد این جنگ شد. آقای نصرالله پس از به اسارت گرفتن دو نظامی اسرائیلی، بیدرنگ اعلام کرد که خواهان مبادله دو اسیر صهیونیستی با اسیران لبنانی است. ایشان در مقابل اهداف سیاسی آمریکا و اسرائیل اهداف بسیار ساده و متواضعانه خود را اعلام کرد.

ثانیاً: آمریکا به نام برپایی خاورمیانه جدید، حد بالایی برای این جنگ تعیین کرد. اسرائیل هم نابودی حزب الله را در رأس اهداف این جنگ قرار داد، ولی پس از آن، از این هدف چشمپوشی کرد و هدف اشغال جنوب رودخانه لیتانی را مطرح کرد. سپس در پی ناکامی در جنگ کوشید منطقه‌ای به عمق ۳ تا ۴ کیلومتر در منطقه مرزی جنوب لبنان را به اشغال خود درآورد. ارتش اسرائیل نتوانست هیچ‌یک از این اهداف را تأمین کند. در پی این ناکامی، آمریکا هم از اهداف خود چشمپوشی کرد.

نتایج جنگ، اولین اشتباه سیاسی آمریکا و اسرائیل و اولین نشانه مثبت رهبری و فرماندهی و مدیریت این بحران توسط سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان را آشکار کرد. ایشان با اهداف سیاسی متواضعانه وارد جنگ شد، در حالی که دشمن حد بسیار بالایی را برای اهداف خود تعیین کرده بود.

در سیاست گفته می‌شود که اگر کسی در جنگی حد بالایی را در

نصرالله

اما در مقابل اعتماد به نفس و اطمینان به پیروزی که رزمندگان مقاومت اسلامی داشتند، در جبهه مقابل، سردرگمی و نابسامانی، رهبری سیاسی و فرماندهی نظامی اسرائیل را فرا گرفته بود، آنان نمی‌توانستند نتیجه جنگ را پیش‌بینی کنند و برخلاف آنچه که عمیر پرتز، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی گفته بود که، «سید حسن نصرالله در طول زندگی‌اش نام مرا از یاد نخواهد برد»، این سخن نشان می‌دهد که اسرائیلیها رؤیاهای فراوانی برای جنگ در سر داشتند، اما به هیچ‌کدام از اهداف خود نرسیدند.

نظر بگیرد و به آن دسترسی پیدا نکند، یا به ۵۰٪ اهداف خود نرسد، شکست خورده تلقی می‌شود. این در حالی است که مقاومت اسلامی که با اهداف متواضعانه وارد این جنگ شده بود، به اهداف بزرگی دست یافت که در ادامه این گفت‌وگو به آن اشاره خواهیم کرد. این اولین نشانه موفقیت مدیریت بحران توسط آقای نصرالله است.

نشانه دوم موفقیت سید حسن نصرالله این است که ایشان به محض آغاز جنگ، به توده‌های مقاومت و مردم لبنان و امت اسلامی و عربی وعده پیروزی داد و گفت که این «وعده صادق» است و پیروزی در راه است و تردیدی در آن وجود ندارد. آقای

نصرالله با یقین و اطمینان قلبی این جنگ را ادامه داد. اطمینان قلبی او بود که رزمندگان مقاومت را در جبهه‌های رزم تحت تأثیر قرار داد. اما در مقابل اعتماد به نفس و اطمینان به پیروزی که رزمندگان مقاومت اسلامی داشتند، در جبهه مقابل، سردرگمی و نابسامانی، رهبری سیاسی و فرماندهی نظامی اسرائیل را فرا گرفته بود، آنان نمی‌توانستند نتیجه جنگ را پیش‌بینی کنند و برخلاف آنچه که عمیر پرتز، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی گفته بود که، «سید حسن نصرالله در طول زندگی‌اش نام مرا از یاد نخواهد برد»، این سخن نشان می‌دهد که اسرائیلیها رؤیاهای فراوانی برای جنگ در سر داشتند، اما به هیچ‌کدام از اهداف خود نرسیدند. اینها مثالهای ساده‌ای از شیوه مدیریت آقای نصرالله در این جنگ بودند و ایشان ثابت کرد که بر حق است و برای حق می‌جنگد.

دستاوردهای مقاومت اسلامی در این جنگ چیست؟

همه ناظران و تحلیلگران می‌دانند که دشمن صهیونیستی به سیستمهای بازدارنده قوی و پیشرفته‌ای مجهز است. یکی از این سیستمها سلاح هسته‌ای است. یعنی هرگاه موجودیت اسرائیل توسط یک قدرت هسته‌ای یا نظامی به خطر بیفتد، اسرائیل آن قدرت هسته‌ای را به استفاده از سلاح هسته‌ای تهدید خواهد کرد، اما استفاده از سلاح هسته‌ای در قیامهای مردمی و مقاومت مردمی به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست، بنابراین رژیم صهیونیستی امکان استفاده از این سلاح را در لبنان و فلسطین نخواهد داشت. دومین سیستم بازدارنده اسرائیل نیروی هوایی است. اسرائیل در جنگهای پیشین با اعراب به ویژه جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷ با نیروی هوایی خود سرنوشت جنگ را به نفع خود تغییر داد. نیروی هوایی اسرائیل در جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ نقش تعیین‌کننده‌ای

این حزب الله بود که شیوه نبرد را تعیین می‌کرد...

«گذری بر شیوه‌های دفاعی حزب الله در جنگ اخیر»

در گفت‌وگو و شنود شاهد یاران با انیس نقاش،

کارشناس لبنانی مسائل راهبردی خاورمیانه



فاطمه عباسی

جنگ ۳۳ روزه اسرائیل بر ضد لبنان در ژوئیه گذشته و پایداری مردانه رزمندگان مقاومت اسلامی در برابر ماشین جنگی صهیونیستها، چهره رژیمهای عربی و ماهیت سران برخی از گروهها و طوایف لبنانی وابسته به محافل غربی را آشکار کرد. این جنگ نشان داد که هیچ نظام سیاسی در دنیا مانند رژیمهای حاکم بر جهان عرب، قهرمانان ملی خود را تحقیر نمی‌کند و پیروزی بی‌نظیر آنان را مخدوش و کم ارزش جلوه نمی‌دهد؛ به رغم اعتراف همه ناظران و تحلیلگران آمریکایی و اروپایی به پیروزی حزب الله بر اسرائیل در این جنگ نابرابر، برخی از مسئولان عرب و دسته‌ای از سران فرقه‌های مذهبی لبنان با وارونه جلوه دادن نتایج این جنگ، سید حسن نصرالله، رهبر حزب الله را به ماجراجویی متهم کردند. یک نویسنده عرب با انتقاد از برخورد غیر اصولی رژیمهای عربی نوشت، «اگر سید حسن نصرالله تابعیت یک کشور اروپایی را داشت، بیتردید به نشانه سیاست و قدردانی از این پیروزی بزرگ، تندیس او را در میدانها و پارکهای عمومی نصب میکردند.» شاهد یاران در گفت‌وگو با استاد «انیس نقاش» کارشناس لبنانی مسائل راهبردی و رئیس «مرکز پژوهشهای راهبردی الامان» علت این رفتار و برخورد غیرمنطقی برخی از رژیمهای عربی و برخی از سران فرقه‌های مذهبی لبنان با حزب الله را از وی جویا شده است. انیس نقاش از سنین جوانی در کنار جنبشهای مبارز فلسطینی در لبنان با رژیم اشغالگر قدس مبارزه و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از اهداف و آرمان والای امام خمینی(ره) دفاع و برای تحقق این اهداف، مدت ده سال را در زندانهای فرانسه سپری کرده است. مشروح این گفت‌وگو از نظر تان می‌گذرد.



سنگینی که انبار کرده بودند و به رغم برقراری پل هوایی برای انتقال ۲۵۰ موشک هوشمند از آمریکا به اسرائیل، نتوانستند روند

داشت. در جنگ ماه ژوئیه سال جاری که میان مقاومت اسلامی و اسرائیل رخ داد، دشمن امیدوار بود که با استفاده از سلاح نیروی هوایی بتواند سرنوشت جنگ را به سود خود رقم بزند، اما در این محور هم شکست خورد، زیرا نتوانست توان رزمندگان مقاومت اسلامی، استحکامات و

سکوهاى موشکی آنان را منهدم کند. رژیم صهیونیستی همچنین به رغم بمبارانهای وحشیانه و هدف قرار دادن مردم بی دفاع و غیر نظامی، در اهداف خود برای برانگیختن مردم بر ضد حزب الله شکست خورد، بنابراین نیروی هوایی اسرائیل هم در این جنگ شکست خورد.

سومین سیستمی که ارتش اسرائیل در این جنگ به کار برد، سلاح زین بود که آن را «نیزه شکافنده» نامید. اسرائیل با بهره‌گیری از این سلاح تا تکنیکی کوشید تا بخشهای وسیعی از سرزمین لبنان را اشغال کند. ارتش رژیم صهیونیستی بر اساس سیستم «نیزه شکافنده» کوشید ستونهای تانک و نیروهای زرهی خود را با سرعت تمام به عمق لبنان گسیل دارد تا با محاصره نیروهای مقاومت اسلامی به اهداف مورد نظر خود برسد و به پیروزی سریع و قاطع دست یابد.

اسرائیلیها در جنگهای سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۵۶ این تاکتیک را به کار برده بودند. در جنگ سه جانبه (اسرائیل، فرانسه و انگلیس) در سال ۱۹۵۶ بر ضد مصر، نیروهای اسرائیلی در عرض چند روز صحرای سینا را پیچیدند و به کانال سوئز رسیدند. در جنگ ژوئن سال ۱۹۶۷ و جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ نیز از همین شیوه استفاده شد. در این جنگ نظامیان صهیونیست به عمق پشت جبهه مصر رخنه کردند و یک لشکر مصر را به محاصره در آوردند. دشمن صهیونیستی در جنگ ژوئیه سال جاری نیز کوشید با استفاده از این تاکتیک، ستونهای زرهی خود را به عمق خاک لبنان گسیل دارد و رزمندگان مقاومت را به محاصره در آورد، اما نتوانست پیشری کند و تلفات سنگینی را متحمل شد. بنابراین، رژیم صهیونیستی در حمله زمینی هم شکست خورد. عامل دیگر بازدارندگی اسرائیل، برخورداری از پشتیبانی بین‌المللی است. رژیم صهیونیستی در این جنگ کوشید به اعراب بفهماند که همه حکومت‌های جهان در کنار آن ایستاده‌اند و از آن پشتیبانی می‌کنند و لذا شکست‌پذیر نیست و جنگ افزایشی را که در جنگ از دست می‌دهد، در حال جنگ جبران می‌کند، همان گونه که در جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ اتفاق افتاد. دشمن صهیونیستی کوشید تا به اعراب وانمود کند که آمریکا و برخی از دولت‌های غربی حاضرند همه خسارت‌های آن را در جنگ جبران نمایند. آنچه که در جنگ ژوئیه اتفاق افتاد این است که صهیونیستها به رغم به کارگیری همه گلوله و موشک‌های

کرد. با آن که اسرائیل به لبنان تجاوز کرده بود، همه دولت‌های جهان از آن حمایت کردند و با این وصف، همه هم ناکام شدند و نتوانستند نه لبنان را بترسانند و نه موازنه قدرت و روند جنگ را دگرگون کنند.

بهترین تعبیر از این جنگ، آن است که هم اسرائیل در این جنگ شکست خورد و هم دولت‌های جهان که از اسرائیل حمایت می‌کردند. این مقوله هم که «اسرائیل مافوق قانون» است، شکست خورد. همه سیستم‌های بازدارندگی اسرائیل در برابر پایداری و مقاومت مردم جنوب لبنان شکست خوردند.

اشاره کردید که اسرائیل از نظر سیاسی و نظامی از حمایت بین‌المللی برخوردار است. حزب الله در این جنگ از چه حمایت‌هایی برخوردار بود؟ آیا گروهی از کارشناسان نظامی، رزمندگان مقاومت اسلامی را پشتیبانی می‌کردند یا نیروهای حزب الله به امکانات و توان درونی خودشان متکی بودند؟ من به طور قاطع تأکید می‌کنم که هنگام جنگ، حزب الله به کارشناسان نظامی نیاز نداشت. رزمندگان مقاومت اسلامی درباره به کارگیری برخی اسلحه‌ها، توسط کارشناسان آموزش دیده بودند. رزمندگان مقاومت، سلاح‌های پیشرفته‌ای تهیه کردند که برای بهره‌برداری از آنها به آموزش نیاز داشتند. من معتقدم که حزب الله از پشتیبانی آموزشی برخوردار بود، ولی قطعاً تأکید می‌کنم که هنگام جنگ و قبل از آن به استعدادها و امکانات خودی متکی بود و خود رزمندگان مقاومت بودند که تاکتیک و شیوه جنگ چریکی را انتخاب کردند. این فکر و هوشمندی کارشناسان نظامی حزب الله بود که شیوه نبرد و تاکتیک‌های جنگی را تعیین می‌کرد، زیرا از محورهاى جنگ و طبیعت جغرافیایی سرزمین جنوب آگاهی دارد. آنها از جنگ‌های پیشین با رژیم صهیونیستی تجربه اندوخته بودند و از این تجربه‌ها به نحو مطلوب بهره‌برداری می‌کردند. رزمندگان مقاومت با احداث سنگرهای تسخیر ناپذیر و تهیه اسلحه و جنگ افزارهای دفاعی متناسب، با بهترین شیوه نتوانستند تجاوزگری صهیونیستها را دفع کنند.

سید حسن نصرالله در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی بین‌المللی تحصیل نکرده است. او تنها چند سالی در حوزه‌های علمی و دینی درس خوانده است. میزان بالای هوش، فکر، اندیشه، استعداد و توان او را در چه می‌بینید؟

برخی از افراد برای فراگیری علوم سیاسی وارد دانشگاهها میشوند، برخی از افراد هم از سنین جوانی به مسائل سیاسی می‌پردازند و وقت خود را صرف مطالعه و تحقیق می‌کنند، از تجربه‌های دیگران عبرت می‌گیرند و بهتر از کسانی که در دانشگاهها تحصیل کرده‌اند، عمل می‌کنند. امروز هیچ کسی نمی‌تواند مدعی شود که همه رزمندگان حزب الله و فرماندهی و مسئولان نظامی این جنبش برای فراگیری علوم نظامی و رزمی وارد دانشگاههای نظامی و دانشکده‌های ستاد شده‌اند. در عین حال نمی‌توانیم منکر شویم که بسیاری از رزمندگان مقاومت و اعضای حزب الله، از قشر دانشجو هستند و مدارک عالی دارند و بسیاری از آنان هم کارگر و کشاورز و پیشه‌ورند. بنابراین مغزهای متفکر و امکانات فکری و استعداد‌های علمی نهفته در حزب الله وجود دارد. همه این استعدادها و امکانات دست به دست هم دادند و این حماسه بی نظیر را به وجود آوردند. افزون بر آن، نیروهای مقاومت حزب الله، تجربه‌ای طولانی در رزم با رژیم صهیونیستی دارند. اگر چه حزب الله در سالهای ۱۳۶۱ یا ۱۳۶۲ تأسیس شد، اما نباید فراموش کرد که بسیاری از نیروهای حزب الله پیش از تأسیس این جنبش، در مقاومت فلسطین فعال بودند. این افراد در زمینه عملیات تاکتیکی و رزمی و شیوه‌های روبرویی با ارتش رژیم صهیونیستی از تخصص و کارایی قابل ملاحظه‌ای برخوردار هستند. به هر حال می‌توان گفت که بخشی از نیروهای حزب الله اوضاع را از نظر تئوریک بررسی و محاسبه و بخشی دیگر در عرصه عملیاتی کار می‌کنند. من معتقدم که تجربه ۶۰ ساله جنگ با رژیم صهیونیستی، رزمندگان مقاومت اسلامی را آیدیده کرده و در سهای گرانبهای سیاسی و نظامی به آنان آموخته تا به این مرحله رسیده‌اند.

بسیاری از رزمندگان مقاومت و اعضای حزب الله، از قشر دانشجو هستند و مدارک عالی دارند و بسیاری از آنان هم کارگر و کشاورز و پیشه‌ورند. بنابراین مغزهای متفکر و امکانات فکری و استعداد‌های علمی نهفته در حزب الله وجود دارد. همه این استعدادها و امکانات دست به دست هم دادند و این حماسه بی نظیر را به وجود آوردند.

جنگ را به نفع خود دگرگون کنند.

آخرین عامل بازدارندگی این است که اسرائیل خود را مافوق قوانین بین‌المللی میدانند و این امکان برای او وجود دارد که آزادانه به هر جنایتی دست بزند و هیچ کسی مانع نشود. این عامل خیلی از افراد را می‌ترساند. سران هشت کشور بزرگ صنعتی که در اوایل جنگ در شهر «سن پترزبورگ» در روسیه گردهم آمده بودند، به طرز بی سابقه‌ای از موضوع اسرائیل حمایت کردند. این دولت‌ها اسرائیل را بر حق معرفی کردند و با همه امکانات سیاسی در کنار این رژیم ایستادند. اسرائیل هم با برخورداری از این حمایت در لبنان به هر جنایتی دست زد.

در مورد حمایت هشت کشور بزرگ صنعتی از دشمن صهیونیستی، بار دیگر سخنان آقای سید حسن نصرالله را یاد آور می‌شوم. ایشان پس از اسارت دو نظامی صهیونیست، در برابر افکار عمومی جهان فریاد برآورد و گفت که اگر همه جهان به سراغ ما بیایند تا دو اسیر اسرائیلی را آزاد کنند، هرگز توان این کار را نخواهد داشت، مگر از طریق مذاکره غیر مستقیم. این موضعگیری آقای نصرالله نشان می‌دهد که او آینده را پیش بینی و به روشنی احساس کرده بود که همه دولت‌های جهان عملاً از او تقاضا خواهند کرد تا دو اسیر اسرائیلی را بدون قید و شرط آزاد کند، اما دولت‌های جهان با حمایت همه جانبه از اسرائیل، در زمینه آزادی دو نظامی اسرائیلی هم شکست خوردند.

باید در مورد موضع سران هشت کشور بزرگ صنعتی در «سن پترزبورگ» و حمایت همه جانبه آنان از رژیم صهیونیستی بررسی دقیق شود، زیرا این گردهمایی ثابت کرد که همه جهان بر ضد حق، مقاومت و حقوق ملت فلسطین و ماهیت مبارزات ۶۰ ساله ملت‌های عرب و مسلمان علیه دشمن صهیونیستی، موضعی هماهنگ را اتخاذ



سیستم دفاعی نیروهای حزب الله، جنگ پارتیزانی، سنگرها و کانالهای زیرزمینی مقاومت، همه را غافلگیر کرد. ارزیابی شما از شیوه جنگ نیروهای مقاومت چیست؟ آیا از تجربه سایر ملل منطقه و جهان بهره گرفته‌اند؟

رزمندگان مقاومت اسلامی از عامل زمان بهره‌برداری بسیار و خود را برای رویارویی با تجاوز احتمالی دشمن صهیونیستی و چنین روزی آماده کرده بودند. سید حسن نصرالله در این باره گفته است که پس از پیروزی در روز ۲۵ مه سال ۲۰۰۰ و خروج آخرین سرباز اسرائیلی از جنوب لبنان، همه لبنان‌بها به خانه‌هایشان رفتند تا زندگی عادی خود را آغاز کنند، اما رزمندگان مقاومت در میدان ماندند و خود را برای چنین روزی آماده کردند. بر این اساس میتوان گفت که اولاً، حزب الله در طول شش سال گذشته خود را آماده کرده و ثانیاً، در این مدت، درباره قدرت ویرانگری موشکها و بمبهای ارتش رژیم صهیونیستی مطالعات علمی و دقیقی انجام داده و با ایجاد استحکامات، میزان ویرانگری این بمبها را کاهش دهد. این استحکامات بر بنیاد تجربه‌های گذشته ایجاد شدند. سیستم دفاعی حزب الله نیز بر اساس شناخت ناهمواریها و ارتفاعات جغرافیایی مناطق مرزی و پیش‌بینی محورهای نفوذ ستونهای رزهی ارتش اسرائیل به خاک لبنان به وجود آمدند. رزمندگان مقاومت اسلامی با طرحها و نقشه‌های جنگی خود توانستند همه گذرگاهها و محورهای نفوذ احتمالی نیروهای مهاجم را ببندد و شیوه رویارویی با آنان را شناسایی کنند. مخالفان حزب الله در این پیروزی شک و تردید القا می‌کنند و می‌گویند که میزان خرابی و ویرانی ساختار حیاتی لبنان بر دستاوردهای حزب الله سایه افکننده است. نظراتان چیست؟

بسیار روشن است که دشمن صهیونیستی با بمباران وحشیانه ساختار اقتصادی و حیاتی و مناطق مسکونی لبنان کوشید، به دستاوردهای سیاسی خود برسد. هدف اسرائیل از حمله به غیر نظامیان و مناطق مسکونی این بود که موضع شهروندان لبنانی را که از مقاومت پشتیبانی میکردند، دگرگون کند و آنان را علیه حزب الله بشورانند. آنچه اتفاق افتاد، دقیقاً بر خلاف خواست رژیم صهیونیستی بود. توده مردم اعلام کردند که تلفات جانی و خسارتهای مالی وارد آمده به لبنان فزای مقاومت خواهد بود. با این وصف دشمن توانست اهداف سیاسی خود را در این زمینه نیز تأمین کند. افرادی که در پیروزی حزب الله به شک و تردید دامین میزند، مخالفان محلی حزب الله و گروهها و دار و دسته‌های استثنائی هستند. مگر پیروزی به آسانی و رایگان و بدون خسارت جانی و مالی به دست می‌آید؟ جریانات لبنانی که فریاد خسارتهای سنگین را سر می‌دهند، در حقیقت می‌خواهند به روحیه مردم آسیب وارد کنند و این پیروزی بزرگ را کم ارزش جلوه دهند. هیچ کشوری در این جهان پهناور به پیروزی نرسید مگر اینکه فرزندان آن کشور با ایثار و جانفشانی، زمینه پیروزی را فراهم آوردند. در این زمینه مثالهای فراوانی وجود دارند. در جریان جنگهای جهانی اول و دوم، کشورهای بسیاری تلفات جانی و خسارات مالی فراوانی پرداختند تا به پیروزی نایل آیند. در جنگ استقلال الجزائر، مقاومت مردم بی‌نظیر بود و الجزائر کشور یک میلیون شهید نامیده شد. در الجزائر روستاها کاملاً از بین رفتند، دامداری و کشاورزی نابود شد و این بهای پیروزی بر اشغالگران فرانسوی بود. موضعگیری مخالفان لبنانی حزب الله منطقی نیست. آنان در تحریف این پیروزی بزرگ و مخدوش کردن آن موفق نخواهند شد.

سخنان آقای سید حسن نصرالله را به موضعگیری غیر اصولی سران هشت کشور بزرگ صنعتی ربط دادید که گفته بود اگر جهان بسیج شود نمی‌تواند دو اسیر اسرائیلی را آزاد کند. آقای نصرالله بر اساس چه معیارها و ملاکهایی و با چه دیدی به اوضاع می‌نگرد و آینده را پیش‌بینی می‌کند؟ آیا این دید از ایمان و اعتقاد قوی او ناشی شده است؟

اولاً، سید حسن نصرالله به درستی مبارزه و آرمان خود ایمان و اعتقاد کامل دارد و بر این باور است که از یک آرمان مقدس دفاع میکند.

ثانیاً، آقای نصرالله برای رضای حق تعالی و کسب رضای مردم محروم و مستضعف لبنان بیکار می‌کند، نه برای جلب رضایت

قدرتهای بین‌المللی.

ثالثاً، سید حسن نصرالله، حزب الله را برای چنین جنگی آماده و امکانات و جنگ افزار لازم را فراهم کرده بود. آقای نصرالله با اطمینان به قدرت نظامی حزب الله و رزمندگان مقاومت اعلام کرد که اگر دنیا بسیج شود، نمی‌تواند دو نظامی اسرائیلی را آزاد کند. بنابراین سید حسن نصرالله، مقاومت اسلامی را برای یک جنگ جدی آماده ساخته بود و سر انجام به پیروزی رسید، زیرا پیش‌بینی و ارزیابی او درست بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت که ایمان قوی به آرمان عدالت و آماده‌سازی لازم، نقش تعیین‌کننده‌ای در این پیروزی داشت.

لبنان در مناطق آزاد شده جنوب و استقرار حدود ده هزار پاسدار صلح وابسته به سازمان ملل متحد (یونیتل)، خطر تجاوز مجدد اسرائیل به لبنان دفع شده است؟ آیا جنگ میان حزب الله و رژیم صهیونیستی پایان یافته است؟ خیر، جنگ تمام نشده است! دشمن صهیونیستی اعلام کرده که برای جنگ بر ضد حزب الله در آینده آماده میشود. در حقیقت تا زمانی که موجودیت دشمن صهیونیستی در خاورمیانه پابرجاست، جنگ تمام نخواهد شد و بحران خاورمیانه پایان نمی‌یابد، مگر با آزادی فلسطین. جنگ در خاورمیانه تنها با ریشه‌کنی صهیونیسم و نابودی اسرائیل پایان می‌یابد. دشمن صهیونیستی در طول ۶۰ سال گذشته ثابت کرده که رژیم‌های نژادپرست، متجاوز، فزونیخواه و جنایتکار است. من معتقدم که جنگ ژوئیه گذشته سرآغاز جنگ دیگری در خاورمیانه خواهد بود. وقوع جنگ در خاورمیانه در سالهای آینده اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

دشمن صهیونیستی در این جنگ متحمل تلفات و خسارتهای سنگین شد و حزب الله با قدرت بازمانده‌ای که دارد، توانست خسارتهای سختی به شهرها و شهرکهای صهیونیست‌نشین وارد کند. رژیم صهیونیستی با چه دلیل و بهانه‌ای دوباره جنگ را آغاز خواهد کرد؟

شکی نیست که اسرائیل جنگ با حزب الله را تکرار خواهد کرد. اسرائیلیها تصور می‌کنند که اگر امکانات و تواناییها و تاکتیکهای حزب الله را بررسی و شناسایی کنند و از جنگ ژوئیه گذشته درس بگیرند، جنگ را دوباره می‌توانند آغاز کنند، زیرا اسرائیلیها برای حفظ موجودیت خود تداوم جنگ را دیگری ندارند. تحلیلگران صهیونیست می‌گویند که بدون جنگ موجودیت رژیم اسرائیل در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

اما برخی از تحلیلگران و ناظران می‌گویند که روز به روز عرصه بر رژیم صهیونیستی تنگ‌تر می‌شود. اسرائیل در سال ۲۰۰۰ از جنوب لبنان عقب‌نشینی کرد، در سال ۲۰۰۵ از نوار غزه خارج

نصرالله

سید حسن نصرالله، حزب الله را برای چنین جنگی آماده و امکانات و جنگ افزار لازم را فراهم کرده بود. آقای نصرالله با اطمینان به قدرت نظامی حزب الله و رزمندگان مقاومت اعلام کرد که اگر دنیا بسیج شود، نمی‌تواند دو نظامی اسرائیلی را آزاد کند. بنابراین سید حسن نصرالله، مقاومت اسلامی را برای یک جنگ جدی آماده ساخته بود و سر انجام به پیروزی رسید، زیرا پیش‌بینی و ارزیابی او درست بود.

شد و در کرانه باختری رود اردن در پیرامون خود دیواری به ارتفاع هشت متر کشید. آیا این نشان میدهد که اسرائیل در حال نابودی است؟

این تحلیل درستی است. رژیم صهیونیستی در همه زمینه‌ها و همه خطوط در حال عقب‌نشینی است، ولی این عقب‌نشینی



مانع از دفاع اسرائیل از موجودیت خود در منطقه نمی‌شود. در تاریخ یهودیان باستان، داستان «ماسادا» ذکر شده است. «ماسادا» به معنای خودکشی گروهی است. هنگامی که یهودیان در قلعه‌ای زندگی می‌کردند و رومیها به آنان شبیخون زدند و آنان شکست خوردند، بقیه آنها تسلیم نشدند و به خودکشی جمعی دست زدند.

من باور ندارم که دشمن صهیونیستی برای حل مشکلات خود با اعراب به صلح و آرامش گرایش داشته باشد، زیرا این دشمن بسیار لجباز و مغرور است. بر اساس همین لجبازی صهیونیستها، منطقه در آینده شاهد جنگهای بیشتری خواهد بود و این شاء الله شکست حتمی خواهد بود.

محافل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردمی، در این جنگ در کنار سید حسن نصرالله و حزب الله ایستادند. در پرتو این حمایتها آینده سید حسن نصرالله را چگونه می‌بینید؟ موقعیت سید حسن نصرالله به عنوان یک رهبر بلامنزاع در جهان عرب تحکیم یافت. شکی در این نیست و مردم این را اعلام کرده‌اند و این نظر شخصی من نیست. مسلمانان و اعراب، شایسته است که برای رسیدگی به بسیاری از مسائل، از شیوه رهبری او بهره بگیرند. سید حسن نصرالله در بسیاری از مسائل مذهبی و فرقه‌ای وحدت طلب است. او با پیشینی که دارد می‌تواند جهان اسلام را متحد کند و با احترام خاصی که مسلمانان و اعراب برای او قایل هستند، می‌تواند وحدت و یکپارچگی آنان را استحکام بخشد و به کاهش بحرانهای مذهبی و فرقه‌ای کمک کند. او اسرائیل و آمریکا را دشمن اصلی امت می‌داند و می‌تواند جهت بسیاری از جنبشها و حرکتهای سیاسی و مبارز را به سوی دشمن اصلی رهنمون سازد. سید حسن نصرالله می‌تواند الگوی رهبری نمونه را در جهان عرب ارائه دهد، رهبری واقعی که پیروزی ساز است. سید حسن نصرالله می‌تواند دانشگاهی باشد که رهبران شجاع و راستین و ایثارگر از آن فارغ التحصیل می‌شوند. بر اساس این دیدگاه، من شیوه نصرالله را الگو و سرمشق جهان عرب و اسلام می‌دانم. ■